225160 ـ آداب نصیحت

سوال

موارد اصلی که باید در گفتن نصیحت رعایت شود چیست؟ و آیا نصیحت باید به صورت خصوصی گفته شود یا در جمع؟ و چه کسی صلاحیت نصیحت کردن را دارد؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

نصیحت از جمله نشانه‌های بارز برادری اسلامی و از کمال ایمان و تمامِ احسان است چرا که ایمان مسلمان کامل نمی‌شود مگر هنگامی که برای برادرش آنچه را برای خود می‌پسندد بخواهد و برای برادرش همان چیزی را بد بداند که برای خودش بد می‌داند و این انگیزهٔ نصیحت است.

بخاری (۵۷) و مسلم (۵۶) از جریر بن عبدالله ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده‌اند که گفت: با رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ بر اقامهٔ نماز و دادن زکات و نصیحت برای هر مسلمان بیعت کردم.

و مسلم (۵۵) از تمیم داری ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: دین نصیحت است گفتیم برای چه کسی؟ فرمود: برای الله و برای کتابش و برای پیامبرش و برای امامان مسلمان و عموم آنان.

ابن اثیر ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

نصیحت عموم مسلمانان به معنای راهنمایی آنان به سوی مصلحت‌های آنان است (النهایة: ۵/ ۱۴۲).

نصیحت آدابی کلی دارد که باید شخص نصیحت‌گر دلسوز رعایتش نماید، از جمله:

ـ انگیزه‌اش خواستن خیر برای برادر مسلمان و بد دانستن شر برای او باشد. ابن رجب ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«اما درباره نصیحت برای مسلمانان: باید همان چیزی را برایشان دوست داشته باشد که برای خود دوست دارد و همان چیزی را برای آنان بد بدارد که برای خود بد می‌دارد و برایشان دلسوزی کند و نسبت به کوچک آنان مهربان و نسبت به بزرگشان احترام نگه دارد. برای غمشان غمگین شود و برای شادی‌شان شاد شود اگرچه این برای دنیایش زیان داشته باشد، مانند کم کردن قیمت برایشان و اگر چه باعث از دست رفتن سودش در تجارتش شود و همینطور [اجتناب از] هرچه به طور

کلی باعث زیانشان شود. و آنچه را به صلاح آنهاست و باعث الفت آنان می‌شود و مداومت نعمت‌هایشان و پیروزی‌شان بر دشمنان و دور شدن هرگونه آزار و بدی از آنان را دوست بدارد.

ابوعمرو بن الصلاح می‌گوید: نصیحت کلمه‌ای است جامع که دربرگیرندهٔ تلاش نصیحت کننده برای نصیحت شونده برای اراده و انجام همهٔ انواع خیر است» (جامع العلوم والحکم: ۸۰).

ـ اینکه در نصیحتش مخلص باشد و هدفش خشنودی الله باشد نه اظهار فضل و برتری جویی بر برادرش.

ـ اینکه نصیحت خالی از فریب و خیانت باشد. شیخ ابن باز ـ رحمه الله ـ می‌گوید: نصیحت یعنی اخلاص در یک چیز و خالی بودن آن از فریب و خیانت. مسلمان به سبب بزرگداشت ولایت برادرش و محبتش در حق او، وی را به سمت هر آنچه به سود اوست راهنمایی می‌کند و آن را خالصانه و بدون هیچ شائبه و غل و غش می‌بیند. و از همین روی است سخن عرب که می‌گویند: طلایی ناصح، یعنی بدون فریب [و ناخالصی]. و می‌گویند: عسل ناصح یعنی خالی از فریب و موم (مجموع فتاوی ابن باز: ۵/ ۹۰).

ـ قصدش از نصیحت عیب‌جویی و سرزنش نباشد. حافظ ابن رجب ـ رحمه الله ـ رساله‌ای خاص در همین باره دارد به نام الفرق بین النصیحة والتعییر.

ـ این نصیحت با روحیهٔ برادرانه و از روی مودت باشد نه از روی خشونت و شدت، و الله تعالی می‌فرماید:

ادْعُ إِلِى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ [نحل: ۱۲۵]

(با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [روشی] که نیکوتر است مجادله نمای).

ـ اینکه از روی علم و روشنگری و حجت باشد. علامه سعدی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: از حکمت است که دعوت بر اساس علم باشد نه جهل و با آغاز از موارد مهمتر و سپس مهمتر و از مواردی باشد که به ذهن و فهم نزدیک‌تر و پذیرش آن کاملتر و از روی نرمش و مهربانی باشد. پس اگر از روی حکمت پذیرفت [چه بهتر] و گرنه به دعوت از روی موعظهٔ حسنه که امر و نهی همراه با ترغیب و ترهیب است منتقل می‌شود. پس اگر شخص مقابل فکر می‌کند آنچه می‌گوید حق است یا دعوتگر به سوی باطل است با او به جدال بر اساس روشی که بهتر است می‌پردازد و آن روش‌هایی است که پذیرش آن از نظر عقل و نقل امکانِ بیشتری دارد، از جمله استدلال به ادله‌ای اسکه او به آن معتقد است زیرا این برای حصول مقصود امکان بیشتری دارد. و نباید مجادله به مخاصمه و ناسزاگویی بکشد که در این صورت هدف از مجادله تباه می‌شود و فایده‌ای از آن برده نمی‌شود و بلکه هدف از مجادله باید هدایت خلق به سوی حق باشد نه پیروزی بر آنان و مانند آن (تفسیر السعدي: ۴۵۲).

ـ اینکه نصیحت به صورت پنهانی باشد و کسی را در برابر مردم نصیحت نکند مگر در صورت وجود یه مصلحت راجح. ابن

رجب ـ رحمه الله ـ می‌گوید: سلف هرگاه می‌خواستند کسی را نصیحت کنند او را در نهان پند می‌دادند تا جایی که یکی از آنان می‌گوید: هرکه برادرش را بین او و خودش نصیحت کند این [کارش] خیرخواهی است، اما کسی که او را در میان مردم پند دهد در واقع او را تنبیه کرده. فضیل می‌گوید: مومن می‌پوشاند و نصیحت می‌کند، اما فاجر پرده‌دری می‌کند و عیب‌جویی می‌کند (جامع العلوم والحکم: ۱/ ۲۳۶).

ابن حزم ـ رحمه الله ـ می‌گوید: هرگاه نصیحت کردی در نهان اندرز گوی نه در آشکار، و غیر مستقیم بگو نه به صراحت مگر آنکه شخص مقابل نصیحت تو را غیر مستقیم نفهمد که باید صریح گفت... پس اگر از این روش‌ها عبور کردی تو ستمگری نه نصیحتگر (الأخلاق والسیر: ۴۵).

جز آنکه اگر فرض کند که در نصیحت عیان مصلحتی راجح است آنگاه اشکال ندارد که نصیحتگر نصیحتش را علنی گوید، مانند آنکه بخواهد به کسی که در مسائل اعتقاد در برابر مردم اشتباه کرده پاسخ گوید تا مردم از سخن او دچار فریب نشده و در اشتباهش پیروی او نکنند، یا مانند کسی که به انکار کسی می‌پردازد که ربا را حلال می‌داند یا بدعت و فجور را در بین مردم نشر می‌دهد که دربارهٔ چنین کسی باید نصیحت علنی باشد و بلکه به سبب مصلحت راجح و دوری از فساد غالب چه بسا این کار واجب باشد.

ابن رجب ـ رحمه الله ـ می‌گوید: اگر هدف او صرفا روشن کردن حق باشد تا مردم به سخن کسی که اشتباه کرده فریفته نشوند، قطعا برای کارش اجر می‌برد و با این کارش و این نیتش در نصیحت برای الله و پیامبرش و حاکمان مسلمان و عموم آنان قرار گرفته است (الفرق بین النصیحة والتعییر: ۷).

ـ اینکه نصحیتگر بهترین کلمات را برگزیند و با نصیحت شونده از در لطف و نرمش وارد شود.

ـ اینکه نصیحتگر در برابر آزاری که به سبب نصیحتش به او می‌رسد صبر کند.

ـ پوشاندن راز و ستر مسلمان و تعرض نکردن به آبروی او. نصیحتگر دلسوز و دوستار خیر است و پوشاندن دیگران را دوست دارد.

ـ اینکه پیش از نصیحت مطمئن باشد و بر اساس گمان نصیحت نکند تا برادرش را به آنچه نکرده متهم نکرده باشد.

ـ اینکه وقت مناسب را برای نصیحت انتخاب کند. ابن مسعود ـ رضی الله عنه ـ می‌گوید: این قلب‌ها اشتیاق و روی آوردنی دارد و [همچنین] رخوت و روی گرداندنی، پس آن را به هنگام اشتیاق و روی آوردنش بگیرید و به وقت رخوت و روی گرداندنش رها کنید (ابن مبارک در الزهد: ۱۳۳۱).

ـ اینکه شخص ناصح خود به آنچه به مردم امر می‌کند عامل کند و آنچه را نهی می‌کند خود ترک گوید. الله متعال در توبیخ

بنی اسرائیل به سبب تناقض گفتار و کردارشان می‌فرماید:

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلاَ تَعْقِلُونَ [بقره: ۴۴]

(آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید؟ آیا نمی‌اندیشید؟).

در حق کسی که مردم را به معروف امر می‌کند و خود انجامش نمی‌دهد و آنان را از منکر باز می‌دارد و خودش انجامش می‌دهد.

والله اعلم